



## Drawing justice in society from the point of view of Nahjal-Balagha Based on textual foundation data strategy

Mohammd Mahdi Shahmoradi Fereidoni <sup>a\*</sup>, Razieh Shokoohi Shoormasti<sup>b</sup>

<sup>a</sup> Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

<sup>b</sup> Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

### KEYWORDS

justice,  
justice-oriented society,  
Nahjal-Balagha,  
Imam Ali (AS),  
textual foundation data,  
model of explaining  
justice in society

### ABSTRACT

Justice, in reality is the desire to achieve a life of peace and tranquility, it is what humans have been looking for in all periods of life, and it is a matter that is rooted in nature. Humans have it and all societies are looking for it. Justice is the shining light that gives lasting color and prosperity to human life. Reaching this bright light of life shows the need to present the true characteristics of justice. Because achieving the characteristics of justice makes a perfectionist and justice-oriented society and reaching the utopia a reality. In order to achieve this goal, in this research, an attempt has been made to draw a model of justice in the society by using the foundation's data research method, based on the precious words of Amir al-Mu'minin (a.s.) in Nahjal-Balagha. Using this method, 112 pieces of data were collected from the words of Amiral-Mominin in the open coding stage, and a core phenomenon and 40 categories for the core phenomenon were identified in the core coding stage. Establishing justice, areas of justice implementation, intervening factors that hinder justice implementation, justice implementation strategies and consequences of justice in a society were placed in order to finally draw a model of justice in a justice-oriented society.

\* Corresponding author. Tel.: 09126946845

E-mail address: [mm.shahmoradi@umz.ac.ir](mailto:mm.shahmoradi@umz.ac.ir)

Received: November 24,2022; Received in revised form: January 18, 2023; Accepted: March 15, 2023

Article type: Research Paper

© Author





## ترسیم عدالت در جامعه از دیدگاه نهج البلاغه بر مبنای استراتژی داده بنیاد

### متنی

محمد مهدی شاهمرادی فریدونی الف\*، راضیه شکوهی شورمستی ب

الف استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران  
 ب دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
عدالت، جامعه عدالت محور، نهج البلاغه، امام علی (ع)، داده بنیاد متنی، الگوی تبیین عدالت در جامعه	عدالت در حقیقت میل به دستیابی به یک زندگی در نهایت صلح و آرامش می باشد که در همه ادوار زندگی، بشر به دنبال آن بوده است و امری است که ریشه در فطرت انسان دارد و همه جوامع به دنبال آن هستند. عدالت نور تابنده ای است که به حیات بشری رنگ و رونقی ماندگار می بخشد. رسیدن به این نور درخشان زندگی، نیاز به ارائه شاخه های حقیقی عدالت را نمایان می سازد. زیرا دستیابی به شاخه های عدالت، جامعه کمال گرا و عدالت محور و رسیدن به مدینه فاضله را محقق می سازد. برای رسیدن به این مهم، در این پژوهش سعی بر آن شده است که با کاربرد روش پژوهشی داده بنیاد، مبتنی بر سخنان گوهر بار امیر المومنین (ع) در نهج البلاغه الگویی از عدالت در جامعه ترسیم شود. با استفاده از این روش از کلام امیرالمؤمنین در مرحله کدگذاری باز ۱۱۲ داده جمع آوری و در مرحله کدگذاری محوری، یک پدیده محوری و ۴۰ مقوله برای پدیده محوری شناسایی شد که در مرحله کدگذاری انتخابی، مقوله ها در یک الگوی نظام مند در جایگاه شرایط علی برای برقراری عدالت، زمینه های اجرای عدالت، عوامل مداخله گر که مانع اجرای عدالت هستند، راهبردهای اجرای عدالت و پیامدهای عدالت در یک جامعه قرار گرفت تا در نهایت الگویی از عدالت در یک جامعه عدالت محور ترسیم گردد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴	

### ۱- مقدمه

عدالت نیاز هر جامعه و مایه حیات و نشاط و شادابی مردم است. جامعه، بدون عدالت پیشرفت و توسعه ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ۴۷۸). در جوامع بشری امروز همه به دنبال عدالت و اجرای آن هستند تا به یک زندگی حقیقی در نهایت صلح و آرامش دست یابند. اندیشمندان جدید هم تعریف و راهکارهایی را برای عدالت بیان کردند البته با توجه به عقاید خودشان که برخی از آن ها عملاً عدالت واقعی را در جامعه برقرار نمی کند و موجب امتیاز گروهی بر گروه دیگر می شود، پس لازم است که تعریف کاملی از عدالت و الگوی دستیابی به آن به درستی تحلیل شود تا عدالت واقعی در جامعه برقرار شود. به همین منظور ضرورت دارد از نهج البلاغه و کلام امام علی (ع) که خود به اعتراف خیلی از بزرگان مجسمه عدالت هستند بهره ببریم تا الگویی ترسیم گردد که چه شرایطی موجب می شود که در یک جامعه عدالت برقرار شود و چه شاخصه هایی برای شناخت عدالت وجود دارد که هر جا بروز و ظهور داشته باشد به آن جامعه، جامعه عدالت محور اطلاق شود.

برای شناخت مفهوم عدالت، این پژوهش بر آن است تا با بحث و تحقیق در عللی که در ایجاد آن تأثیر دارد با بیان راهبردهای

آن با روش کیفی، از زاویه‌ای نو با استفاده از روش داده‌بنیاد از میان کلام امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، الگوی زندگی جامعه عدالت‌محور را ترسیم نماید. برای این مهم کتاب نهج‌البلاغه یک منبع برای رسیدن به این الگو قرار داده شده است و تلاش شده است نکات مربوط به عدالت با بررسی همه مطالب آن، استخراج شود. کدگذاری و طبقه‌بندی نکات در مراحل بعدی انجام و در پایان به شکل یک مدل ارائه گردید تا به تصویر یک جامعه عدالت‌محور در نگاه امیرالمؤمنین (ع) که بتواند به عنوان الگویی کارآمد در همه اعصار باشد، دست‌یابد.

## ۲- مرور پیشینه‌ها

در موضوع عدالت مقالات و کتاب‌های گوناگونی به نگارش درآمده است مانند:

«پدیدارشناسی راهبردهای امام علی (ع) برای عدالت در جامعه (مطالعه موردی نهج‌البلاغه)» از وحید بهرامی عین‌القاضی که چارچوب نظری به کار گرفته شده در این مقاله، تکنیک‌های قدرت برگرفته از آثار مارتین هایدگر، میشل فوکو و جورجو آگامبن می‌باشد.

«دیدگاه امام علی درباره عدالت در حکومت اسلامی» از محمد مولایی.

«معیارها و راهبردهای عدالت اقتصادی در نهج‌البلاغه» از فرزاد جهان‌بین و محمد نعمتی.

«حقوق و عدالت در نهج‌البلاغه از مصطفی دلشاد تهرانی.» که تفاوت مقاله حاضر با این مقالات در اتخاذ روش و بررسی همه خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه می‌باشد.

کتاب‌هایی نیز تألیف گردیده مانند «عدالت زبانی نقطه عطف روایت عدالت اجتماعی در نهج‌البلاغه» که در چهار فصل به تشریح مفهوم عدالت پرداخته و بر عدالت زبانی تأکید کرده است «منشور عدالت از اسماعیل منصور لاریجانی» که در فصل هشتم این کتاب از عدالت در نهج‌البلاغه سخن آمده است. تحقیق‌های ارائه شده، مدل و الگوی خاصی را از عدالت ارائه ندادند که همه شرایط و زمینه‌های ایجاد جامعه عدالت‌محور و عوامل مداخله‌گر که از منظر امام علی مانع از ایجاد عدالت در جامعه می‌شوند را بیان کرده باشند و از طرفی تاکنون در این موضوع به روش داده بنیاد تحقیقی انجام نشده است در نتیجه نوع نتایج این تحقیق با تحقیق‌های گذشته متفاوت خواهد بود.

## ۳- مفاهیم

قبل از ورود به بحث، مفهوم عدالت را در لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار می‌دهیم:

### الف - عدالت در لغت

در معنای لغوی عدل این‌گونه آمده است:

العدل: ضدّ الجور. العدل: الحکم بالحق. عدل مخالف جور و ستم است. عدل یعنی به حق حکم کردن (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۲: ۳۹). در لسان‌العرب چنین آمده است: عدل یعنی آنچه که از درون راست و درست به پا خیزد و آن بر ضد ظلم و ستم است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۳۰: ۱۱).

ابن فارس می‌گوید: عدل دو اصل و ریشه صحیح دارد ولی معانی آن‌ها در برابر هم مثل دو ضد قرار می‌گیرد. یکی از آن دو به معنی برابری و دومی به معنای کژی و انحراف (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲۴۶: ۴).

راغب در مفردات آورده است: عدل و عدل در معنی به هم نزدیک‌اند. ولی عدل در چیزهایی است که با بصیرت و آگاهی درک

می‌شود ولی عدل و عدیل در چیزهایی است که با حواس درک می‌شود. عدالت لفظی است که معنی مساوات می‌دهد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۵۱).

عدل در قرآن به گونه‌های متفاوت و معانی متعدد آمده است که مهم‌ترین و بارزترین آن‌ها عبارت است از: عدالت، مساوات، نفقه و بخشش، کنایه از فریضه، تعادل و تساوی در ارزش، فدییه و شرک (عضیمه، ۱۳۸۰، ۳۷۸).

#### ب - معنای اصطلاحی

عدل در اصطلاح این‌گونه بیان شده است:

مراد از عدل تنزیه باری تعالی است از فعل قبیح و اخلال به واجب و متوقف است بر شناخت مسأله حسن و قبح. حکیم کسی است که کار قبیح نمی‌کند و به واجب اخلال نمی‌کند (مفید، ۱۳۲۴، ۳۴).

التحقیق در تعریف عدل آورده است: عدل عبارت است از امری بین افراط و تفریط به‌گونه‌ای که در آن زیادی و نقص نباشد و آن اعتدال و میانه‌روی حقیقی است. عدالت در عقیده و افکار هنگامی است که از انحراف و ضعف مصون باشد و مطابق حق و صواب باشد. عدالت در صفات نفسانی این است که اخلاق باطنی معتدل باشد و در آن افراط و تفریط نباشد. عدالت در اعمال که عبارت است از اقوال و وظایف فردی و کارهای اجتماعی، هنگامی است که مطابق حق و صدق باشد و در آن زیاده‌روی و نقصان نباشد (مصطفوی، ۱۳۷۴، ۸: ۵۵، ۵۶).

برخی می‌گویند: عدل ملکه نفس است که در ظاهر او را از باطل دور می‌کند و در همه حرکات و رفتار او را حفظ می‌کند و در باطن او را از میل به جور و ستم حفظ می‌کند (مازندرانی، ۱۳۸۲، ۸: ۳۹۸).

از نظر اسلام عدالت یک آرمان مقدس و با ارزشی است که مسلمانان، هم به‌صورت فردی و هم به‌صورت جمعی و در تمام ارتباطها و پیوندهای خود باید آن را عملی سازند و حتی درباره دشمنان خود نیز عدالت را رعایت کنند و جامعه‌ای بر اساس عدل و قسط به وجود آورند (جعفری، بی تا، ۳: ۸۸).

علامه طباطبایی در ذیل آیه ۹۰ سوره نحل می‌گوید: معنای اصلی عدالت اقامه مساوات میان امور است به این‌که به هر امری آنچه سزاوار است بدهی تا همه امور مساوی شود، و هر یک در جای واقعی خود که مستحق آن است قرار گیرد، پس عدالت در اعتقاد این است که به آنچه حق است ایمان آوری و عدالت در عمل فردی انجام کاری که سعادت در آن است و دوری از کارهایی که پیروی هوای نفس است و مایه بدبختی، و عدالت در بین مردم این است که هر کسی را در جای خود که به حکم عقل و یا شرع و یا عرف مستحق آن است قرار دهی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۴۷۸).

بنابراین با توجه به آنچه لغت شناسان گفته‌اند: عدل به معنای دادگری و اجرای حق و عدم تجاوز به حقوق دیگری و پرهیز از افراط و تفریط می‌باشد. و با توجه به تعاریف ارائه‌شده از عدل ملکه نفسانی است که نفس را از باطل و جور و ستم دور می‌کند و هر کس آن را پیشه خود سازد در رفتار و اقوال و وظایف اجتماعی اعتدال و میانه‌روی دارد و مطابق حق رفتار می‌کند چه با دوست چه با دشمن.

#### ۴- روش‌شناسی تحقیق

با توجه این‌که در پژوهش حاضر روش تحقیق، داده بنیاد متنی است قبل از ورود به بحث شکل‌گیری کدها و مفاهیم، لازم است که ابتدا در مورد این روش توضیحی ارائه شود و چگونگی دست‌یابی به این مسأله شرح داده شود.

## ۱-۴- تعریف نظریه داده بنیاد

امروزه در روش‌شناسی کیفی، استراتژی‌های گوناگونی نظیر مطالعه موردی، قوم‌نگاری، پدیدارشناسی و غیره وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این استراتژی‌ها «نظریه‌پردازی داده بنیاد» است که با نام‌های نظریه برخاسته از داده‌ها، نظریه زمینه‌ای، نظریه بنیادی نیز شناخته می‌شود (دانایی‌فرد، ۲: ۱۳۸۶) در ابتدا دو محقق آمریکایی به نام هی گلیزر و استراوس در سال ۱۹۶۷ در کتابی به نام «اکتشاف نظریه‌سازی داده بنیاد» آن را معرفی کردند. هدف آن دو از ایجاد این روش آن بود که تحقیقات کیفی را نظم و ترتیب دهند و با راهکارهای نظام‌مند از درون داده‌های گردآوری‌شده نظریه ایجاد کنند. نام‌گذاری این روش به «نظریه‌پردازی داده بنیاد» به آن دلیل بوده است که نظریه‌هایی که در مورد مسائل مورد پژوهش ایجاد می‌شوند نه با تکیه بر نظریه‌های قبلی، بلکه با تکیه بر داده‌های به‌دست‌آمده متبلور می‌شوند (حسرتی، ۱۳۸۵، ۷۸).

«نظریه داده بنیاد» در حوزه‌های موضوعی گوناگون این امکان را می‌دهد تا به‌جای اتکا به نظریه موجود و از پیش تدوین‌شده، خود به تدوین نظریه و گزاره اقدام نماید. بنابراین نظریه داده بنیاد یکی از راهبردهای پژوهش محسوب می‌شود که از طریق آن نظریه بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌ها شکل می‌گیرد. یعنی روند شکل‌گیری نظریه در این راهبرد حرکت از جزء به کل است (حکیمان، بی تا: ۱۰) به عبارت دیگر «نظریه‌پردازی داده بنیاد» یک روش «استقرایی» کشف نظریه است که بر اساس و پایه داده‌ها به تولید نظریه می‌پردازد (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶، ۱۳).

نمونه‌برداری نظری در نظریه‌پردازی داده بنیاد به این معنا می‌باشد که اشکالی از داده‌ها را انتخاب می‌کند که متون و تصورات مفیدی را در راستای تولید یک نظریه به دست می‌دهد. به این معنا که نمونه‌برداری ارادی است و متمرکز بر تولید یک نظریه است (دانایی‌فرد، ۱۳۸۶: ۱۵) در این روش، تمرکز سؤال‌های پژوهش، ایجاد مفاهیم و دسته‌های مرتبط داده‌ها و تلفیق چارچوب‌های نظری ایجاد شده، بازتابنده آن‌اند که چگونه درباره گردآوری و شکل دادن به داده‌ها باید فکر کرد (حسرتی، ۱۳۸۵، ۸۴).

در این پژوهش نیز هر گزاره‌ای بر زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی و به دور از چارچوب‌های نظری، بنیان نهاده شده است و درحالی‌که با پیش فرض‌ها مبارزه می‌شود تلاش شده است با استفاده از داده‌هایی که بر «عدالت» مبتنی است در گزاره‌های نهج‌البلاغه به نظریه‌سازی پرداخته شود و دسته‌های مرتبط داده‌ها، مفاهیم و سطوح مختلف تجزیه و تحلیل، از تعامل پژوهشگر با داده‌ها و سؤال‌هایی که درباره «عدالت» مطرح کرده، شکل گرفته است. بنابراین نمونه‌برداری ارادی است و بر اساس تصادف صورت نگرفته است و بازتابی از چگونگی فکر کردن پژوهشگر درباره گردآوری و شکل دادن به داده‌ها می‌باشد.

## جدول ۱

شناسه	داده	کدهای مفهومی
۱	فَبَاعَ الْبِقِيعِينَ بِشَكِهِ وَ الْعَزِيمَةَ بِوَهْبِهِ وَ اسْتَبَدَلَ بِالْجَدَلِ وَجْلاً وَ بِالْاِعْتِرَارِ نَدماً ثُمَّ بَسَطَ اللّٰهُ سُبْحَانَهُ لَهٗ فِى تَوْبَتِهِ وَ لَقَّاهُ كَلِمَةً رَّحْمَتِهِ وَ وَعَدَهُ الْمَرْدَّ اِلَى جَنَّتِهِ (خطبه ۱)	توبه و پشیمانی از گناه
۲	اَهْلُ الْاَرْضِ يَوْمَئِذٍ مِّلٌّ مُتَفَرِّقَةٌ وَ اَهْوَاءٌ مُنْتَشِرَةٌ (خطبه ۱)	تفرقه
۳	طَرِائِقُ مُشْتَتَتَةٌ بَيْنَ مُشَبَّهِ لِهٖ بِخَلْقِهِ اَوْ مُلْحِدٍ فِى اسْمِهِ اَوْ مُشْبِرٍ اِلَى غَيْرِهِ (خطبه ۱)	الحاد و بت‌پرستی
۴	اَمَّا وَ اللّٰهُ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا فُلَانٌ وَ اِنَّهٗ لَيَعْلَمُ اَنَّ مَحَلَّيْهَا مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى (خطبه ۳)	غصب حکومت از رهبر آگاه
۵	مَا اَخَذَ اللّٰهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ اَنْ لَا يَقَارُوا عَلٰى كَطَلِّ ظَالِمٍ (خطبه ۳)	عهد خدا با عالمان برای مبارزه با ظلم
۶	اَيُّهَا النَّاسُ شَقُّوا اُمُوجَ الْفِتَنِ بِسُفْنِ النَّجَاةِ (خطبه ۵)	رهبر عادل کشتی نجات از فتنه‌ها

پرهیز از اختلاف و برتری جویی	۷	عَرَّجُوا عَنْ طَرِيقِ الْمُنَافِرَةِ وَ ضَعُوا تَبِجَانَ الْمَفَاخِرَةَ (خطبه ۵)
مبارزه با عاصیان به یاری حق طلبان	۸	وَ لَكِنِّي أَضْرِبُ بِالْمُقْبِلِ إِلَى الْحَقِّ الْمُدْبِرَ عَنْهُ وَ بِالسَّامِعِ الْمُطِيعِ الْعَاصِيَ الْمُرِيبَ أَبَدًا (خطبه ۶)
پیروی از شیطان	۹	إِتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مَلَكَاً وَ اتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَكَاءَ فَبَازَ وَ فَرَّخَ فِي صُدُورِهِمْ وَ دَبَّ وَ دَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ (خطبه ۷)
رهبر مرد عمل است نه حرف	۱۰	وَ قَدْ أُرْعِدُوا وَ أُبْرِقُوا وَ مَعَ هَذَيْنِ الْأَمْرَيْنِ الْفُشْلُ وَ لَسْنَا نُرْعِدُ حَتَّى نُوقِعَ وَ لَا نُسِيلُ حَتَّى نُمَطِّرَ (خطبه ۹)
بد عهدی و دورویی	۱۱	كُنْتُمْ جُنْدَ الْمَرْأَةِ وَ اتَّبَعْتُمُ الرَّغَا فَاجَبْتُمْ وَ غَفَرَ فَهَرَبْتُمْ أَخْلَاقُكُمْ دِقَاقٌ وَ عَهْدُكُمْ شِقَاقٌ وَ دِينُكُمْ بِنَاقٌ وَ مَاؤُكُمْ زُعَاقٌ (خطبه ۱۳)
بازگرداندن بیت المال به صاحبان آن	۱۲	وَ اللَّهُ لَوْ وَجَدْتَهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النَّسَاءَ وَ مَلَكَ بِهِ الْإِمَاءَ لَرَدَّدْتَهُ (خطبه ۱۵)
عدالت گشایش برای جامعه	۱۳	فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً (خ ۱۵)
قرار گرفتن هر کس در جایگاه خود	۱۴	لَتَبْلُغَنَّ بَلْبِلَةٌ وَ تَعْرَبَنَّ عَرَبَةٌ وَ لَتَسَاطِنَنَّ سَوَاطِنُ الْقِدْرِ حَتَّى يَعودَ أَسْفَلُكُمْ أَعْلَاكُمْ وَ أَعْلَاكُمْ أَسْفَلَكُمْ وَ لَيَسْبِقَنَّ سَابِقُونَ كَانُوا قَصْرًا وَ لَيُفْصِرَنَّ سَبَاقُونَ كَانُوا سَبَقُوا (خطبه ۱۶)
صداقت رهبر بامردم	۱۵	وَ اللَّهُ مَا كُنْتُمْ وَ شِمْمَةٌ وَ لَا كَذَبْتُمْ كَذِبَةً (خطبه ۱۶)
صلح و آشتی	۱۶	فَاسْتَبْرُوا فِي بِيوتِكُمْ وَ اصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ (خطبه ۱۶)
توبه از زشتیها	۱۷	التَّوْبَةُ مِنْ زَوَائِكُمْ وَ لَا يَحْمَدُ حَامِدٌ إِلَّا رَبَّهُ وَ لَا يَلْمُ لَائِمٌ إِلَّا نَفْسَهُ (خ ۱۶)
عدم سستی در مبارزه با مخالفان حق	۱۸	وَ لَعَمْرِي مَا عَلَيَّ مِنْ قِتَالٍ مَنْ خَالَفَ الْحَقَّ وَ خَابَطَ الْعَيَّ مِنْ إِدْهَانٍ وَ لَا إِيْهَانٍ (خطبه ۲۴)
تقوا سرچشمه پاکبها	۱۹	فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَ فِرُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ اللَّهِ وَ امْضُوا فِي الَّذِي نَهَجْتُمْ لَكُمْ (خطبه ۲۴)
عدم احساس مسئولیت و سستی در مبارزه با ظلم	۲۰	أَلَا وَ إِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلاً وَ نَهَاراً وَ سِرّاً وَ إِعْلَاناً وَ قُلْتُ لَكُمْ اعْرُضُوهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْرُوكُمْ فَوَاللَّهِ مَا غَرَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا دَلُّوا فَتَوَاكَلْتُمْ وَ تَخَادَلْتُمْ حَتَّى شَنَّتْ عَلَيْكُمْ الْغَارَاتُ وَ مَلَكَتْ عَلَيْكُمْ الْأَوْطَانُ (خطبه ۲۷)
تفرقه و پراکندگی در حق	۲۱	يَعَارُ عَلَيْكُمْ وَ لَا تَعْبُرُونَ وَ تَعْرُونَ وَ لَا تَعْرُونَ وَ يَعْصَى اللَّهُ وَ تَرْضُونَ (خطبه ۲۷)
تلاش برای بدست آوردن حق	۲۲	لَا يَذْرُكُ الْحَقُّ إِلَّا بِالْجِدِّ (خطبه ۲۹)
جدیت و عمل به موقع رهبر	۲۳	فَقُمْتُ بِالْأَمْرِ حِينَ فَسَلُوا وَ تَطَلَّعْتُ حِينَ تَقَبَّعُوا (وَ تَطَلَّعْتُ حِينَ تَعْتَبُوا) وَ مَضَيْتُ بِنُورِ اللَّهِ حِينَ وَقَفُوا وَ كُنْتُ أَخْفَضَهُمْ صَوْتاً وَ أَعْلَاهُمْ فَوْتاً فَطِيرْتُ بِعَيْنَانِهَا (خطبه ۳۷)
گرفتن حق ضعیف از قوی	۲۴	الذَّلِيلُ عِنْدِي غَزِيرٌ حَتَّى أَخَذَ الْحَقَّ لَهُ وَ الْقَوِيُّ عِنْدِي ضَعِيفٌ حَتَّى أَخَذَ الْحَقَّ مِنْهُ (خطبه ۳۷)
لزوم تشکیل حکومت برای برقراری امنیت و عدالت	۲۵	وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَسْتَمْتَعُ فِيهَا الْكَافِرُ (خطبه ۴۰)
برقراری عدالت در حکومت پاكان	۲۶	أَمَّا الْإِمْرَةُ الْبُرَّةُ فَيَعْمَلُ فِيهَا التَّقِيُّ وَ أَمَّا الْإِمْرَةُ الْفَاجِرَةُ فَيَسْتَمْتَعُ فِيهَا الشَّقِيُّ إِلَى أَنْ تَنْقَطِعَ مَدَّتُهُ وَ تُذْرِكُهُ مَنِيَّتُهُ (خطبه ۴۰)
توجه به آخرت موجب مبارزه برای تحقق عدالت	۲۷	قَدْ قَلْبْتُ هَذَا الْأَمْرَ بَطْنَةً وَ ظَهْرَهُ [حَتَّى مَنَعَنِي النَّوْمُ] فَمَا وَجَدْتَنِي يَسْعَى إِلَّا قِتَالَهُمْ أَوْ الْجُحُودَ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - فَكَانَتْ مُعَالِجَةُ الْقِتَالِ أَهْوَنَ عَلَى مِنْ مُعَالِجَةِ الْعِقَابِ وَ مَوْتَاتِ الدُّنْيَا أَهْوَنَ عَلَى مِنْ مَوْتَاتِ الْآخِرَةِ (خطبه ۵۴)
رهبر شایسته مانع ستم بر مردم	۲۸	لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي أَحَقُّ بِهَا مِنْ غَيْرِي وَ وَ اللَّهِ لَأَسْلَمَنَّ مَا سَلِمْتَ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهَا جَوْرٌ إِلَّا عَلَى خَاصَّةٍ (خطبه ۷۴)
نخستین گام در عدالت دوری از هوا و هوس	۲۹	فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيُ الْهَوَى عَنْ نَفْسِهِ (خطبه ۸۷)

ترک جهاد موجب خواری و محرومیت از عدالت	۳۰	وَأَدِيلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ وَ سِيَمِ الْخَسْفِ وَ مُنِعَ النَّصْفُ (خطبه ۲۷)
تقسیم بیت المال بطور مساوی بین مردم	۳۱	لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَ إِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ (خطبه ۱۲۶)
بازگرداندن حق به جایگاهش	۳۲	اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا التَّمَّاسِ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْخَطَامِ وَ لَكِنْ لِنَرْدَ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ (خطبه ۱۳۱)
اصلاح در شهرها	۳۳	نُظِّهْرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ (خطبه ۱۳۱)
ایمنی ستم دیدگان	۳۴	فِيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ (خطبه ۱۳۱)
اجرای حقوق و احکام شرعی	۳۵	تُقَامَ الْمَعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ (خطبه ۱۳۱)
پرهیز از افراط و تفریط در رابطه با رهبر	۳۶	سَيَهْلِكُ فِي صِنْفَانِ مُجِبِّ مَفْرُطٍ يَذْهَبُ بِهِ الْحُبُّ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ مُبْغِضٍ مَفْرُطٍ يَذْهَبُ بِهِ الْبُغْضُ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ (خطبه ۱۲۷)
اعتدال در رفتار با رهبر و اتحاد و پرهیز از تفرقه	۳۷	خَيْرُ النَّاسِ فِي حَالِ التَّمَطُّ الْأَوْسَطُ فَالزُّمُوهُ وَ الزُّمُوهُ السَّوَادُ الْأَعْظَمُ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةُ فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ (خطبه ۱۲۷)
همکاری مردم با حکومت	۳۸	أَيُّهَا النَّاسُ أَعِينُونِي عَلَى أَنْفُسِكُمْ (خطبه ۱۳۶)
گرفتن حق مظلوم از ظالم	۳۹	إِيْمَ اللَّهُ لِلنَّصِيفِ الْمَظْلُومِ وَ نَاقُودِ الظَّالِمِ بِخِرَامَتِهِ حَتَّى أوردَهُ مِنْهَلِ الْحَقِّ وَ إِنْ كَانَ كَارِهَا (خطبه ۱۳۶)
عمل بر سنت پیامبر و تکیه بر آثار رسالت	۴۰	فَالزُّمُوهُ السُّنَنَ الْقَائِمَةَ وَ الْأَثَارَ الْبَيِّنَةَ وَ الْعَهْدَ الْقَرِيبَ الَّذِي عَلَيْهِ بَاقِي النَّبُوءَةِ (خطبه ۱۳۸)
احیا عدل و کتاب خدا و سنت پیامبر در حکومت حق	۴۱	فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السَّيْرِهِ وَ يَحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ (خطبه ۱۳۸)
برترین بنده خدا رهبر عادل، هادی مردم، برپادارنده سنت، از بین برنده بدعت	۴۲	فَاعْلَمُوا أَنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ عَادِلٌ هُدَى وَ هَدَى فَأَقَامَ سُنَّةَ مَعْلُومَةٍ أَمَاتٍ بِدَعْوَةٍ مَجْهُولَةٍ (خطبه ۱۶۴)
آگاه‌ترین افراد از فرمان خدا شایسته رهبری	۴۳	أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ (خطبه ۱۷۳)
استقامت در گناه و طاعت و ایمان	۴۴	وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ مَا مِنْ طَاعَةٍ لِلَّهِ شَيْءٍ إِلَّا يَأْتِي فِي كَرِهِ وَ مَا مِنْ مَعْصِيَةٍ لِلَّهِ شَيْءٍ إِلَّا يَأْتِي فِي شَهْوَةٍ (خطبه ۱۷۶)
پیشانی و عدم تعقل مانع از باری عدالت	۴۵	أَيُّهَا النَّفُوسُ الْمُخْتَلِفَةُ وَ الْقُلُوبُ الْمُتَشَتَّتَةُ الشَّاهِدَةُ أَبْدَانَهُمْ وَ الْغَائِبَةُ عَنْهُمْ عَقُولُهُمْ (خطبه ۱۳۱)
گریز از حق و عدالت	۴۶	أَطَارَكُمْ عَلَى الْحَقِّ وَ أَنْتُمْ تَنْفِرُونَ عَنْهُ نَفُورَ الْمِعْزَى مِنْ وَغْوَعَةِ الْأَسَدِ هَيْهَاتَ أَنْ أُطَلِّعَ بِكُمْ سِرَّازَ الْعَدَالِ أَوْ أَقِيمَ اغْوِجَاجَ الْحَقِّ (خطبه ۱۳۱)
تفرقه و سستی و ضعف مردم در مبارزه با ظلم	۴۷	أَيُّهَا النَّاسُ الْمُجْتَمِعَةُ أَبْدَانَهُمْ الْمُخْتَلِفَةُ أَهْوَاؤُهُمْ كَلَامُهُمْ يُوْهَى الصَّمَّ الصَّلَابَ وَ فِعْلُهُمْ يَطْمِعُ فِيكُمْ الْأَغْدَاءَ تَقُولُونَ فِي الْمَجَالِسِ كَيْتَ وَ كَيْتَ فَإِذَا جَاءَ الْقِتَالُ قُلْتُمْ حَيْدَى حَيْدَى مَا عَزَّتْ دَعْوَةٌ مِنْ دَعَاكُمْ وَ لَا اسْتَرَاحَ قَلْبٌ مِنْ قَاسَاكُمْ أَعْلَالٍ بِأَضْلَالٍ دِفَاعَ ذِي الدِّينِ الْمَطُولِ لَا يَمْنَعُ الضَّيْمَ الدَّلِيلَ (خطبه ۲۹)
اجابت نکردن دعوت حق	۴۸	أَسْمَعْتَكُمْ فَلَمْ تَسْمَعُوا وَ دَعَوْتَكُمْ سِرًّا وَ جَهْرًا فَلَمْ تَسْتَجِيبُوا (خطبه ۹۷)
اعتدال و میانه روی	۴۹	فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ: مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ، وَ مَلْبَسُهُمُ الْاِقْتِصَادُ (خطبه ۱۹۳)
برانگیختن مردم برای احقاق عدالت	۵۰	رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا رَأَى حَقًّا فَأَعَانَ عَلَيْهِ، أَوْ رَأَى جُورًا فَرَدَّهُ، وَ كَانَ عَوْنًا بِالْحَقِّ عَلَى صَاحِبِهِ (خطبه ۲۰۵)

۵۱	فَلَمَّا أَفْضَتْ إِلَى نَظْرَتِ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ مَا وَضَعَ لَنَا، وَ أَمَرْنَا بِالْحُكْمِ بِهِ فَأَتَيْتُهُ، وَ مَا اسْتَسَنَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَفْتَدَيْتُهُ (خطبه ۲۰۵)	عمل رهبر بر اساس قرآن و سنت پیامبر
۵۲	وَ أَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ - سُبْحَانَهُ - مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَةِ، وَ حَقُّ الرَّعِيَةِ عَلَى الْوَالِي (خطبه ۲۱۶)	بزرگ‌ترین حق حقوق متقابل رهبر و مردم
۵۳	فَإِذَا أَدَّتِ الرَّعِيَةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ، وَ آدَى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا، عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ، وَ قَامَتِ مَنَاهِجُ الدِّينِ، وَ اعْتَدَلَتِ مَعَالِمُ الْعَدْلِ، وَ جَرَّتْ عَلَى أَذْلَالِهَا السُّنَنُ (خطبه ۲۱۶)	رعایت حقوق متقابل رهبر و مردم موجب عزت حق و اجرای عدالت
۵۴	وَ رَبَّمَا اسْتَحْلَى النَّاسُ النَّتَاءَ بَعْدَ الْبَلَاءِ، فَلَا تُنْتُوا عَلَى بِجْمِيلِ نَتَاءٍ، لِإِخْرَاجِي نَفْسِي إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنَ النَّبِيَّةِ (خطبه ۲۱۶)	عدم تمجید و تملق در برخورد با رهبر
۵۵	فَلَا تَكَلِّمُونِي بِمَا تُكَلِّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةَ، وَ لَا تَتَحَقَّقُوا مِنِّي بِمَا يَتَحَقَّقُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَادِرَةِ (خطبه ۲۱۶)	روابط دوستانه مردم با رهبر
۵۶	وَ لَا تَنْظُرُوا بِي اسْتِثْقَالًا لِحَقِّ قَبِيلِي، وَ لَا التَّمَّاسَ إِعْظَامَ لِنَفْسِي، فَإِنَّهُ مِنْ اسْتِثْقَالِ الْحَقِّ أَنْ يُقَالَ لَهُ أَوِ الْعَدْلُ أَنْ يَعْرَضَ عَلَيْهِ، كَانَ الْعَمَلُ بِهِمَا عَلَيْهِ أَثْقَلُ (خطبه ۲۱۶)	تحمل شنیدن حرف حق
۵۷	فَلَا تَكْفُوا عَنْ مَقَالِهِ بِحَقِّ، أَوْ مَشُورَةٍ يَعْدَلُ (خطبه ۲۱۶)	مشورت مردم با رهبر برای حق و عدالت
۵۸	إِذَا رَجَعْتَ الرَّاجِعَةَ، وَ حَقَّتْ بِجَلَالِهَا الْقِيَامَةُ، وَ لِحَقِّ بِكَلِّ مَنْسَكِ أَهْلِهِ، وَ بِكَلِّ مَعْبُودِ عِبَدَتِهِ، وَ بِكَلِّ مُطَاعِ أَهْلِ طَاعَتِهِ، فَلَمْ يَجْزِ فِي عَدْلِهِ وَ قِسْطِهِ يَوْمَئِذٍ خَرَقُ بَصَرٍ فِي الْهَوَاءِ وَ لَا هَمْسُ قَدَمٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا بِحَقِّهِ (خطبه ۲۲۳)	قیامت صحنه قسط و عدل پروردگار
۵۹	وَ لَعَمْرِي، يَا مَعَاوِيَةَ، لَئِنْ نَظَرْتَ بِعَقْلِكَ دُونَ هَوَاكِ لَتَجِدَنِي أَبْرَأَ النَّاسِ مِنْ دَمِ عُثْمَانَ، وَ لَتَعْلَمَنَّ أَنِّي كُنْتُ فِي غَزْوَةٍ عَنْهُ، إِلَّا أَنْ تَتَجَنَّى؛ فَتَجَنَّى مَا بَدَأَ لَكَ (نامه ۶)	هوا پرستی موجب پنهان کردن حق
۶۰	وَ إِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا، لَئِنْ بَلَغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا، لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَبِيلَ الْوَفْرِ، ثَقِيلَ الظُّهْرِ، ضَعِيلَ الْأَمْرِ، وَ السَّلَامَ. (نامه ۲۰)	سخت‌گیری در مقابل خیانت در بیت‌المال
۶۱	فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ، وَ الْبِنُّ لَهُمْ جَانِبَكَ، وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ، وَ أَسِّبْهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظَرَةِ، حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ، وَ لَا يَبَاسَ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ (نامه ۲۷)	فروتنی و رعایت مساوات با مردم
۶۲	أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكُمْ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، لَا يَنَامُ أَيَّامَ الْخَوْفِ، وَ لَا يَنْكُلُ عَنِ الْأَعْدَاءِ سَاعَاتِ الرَّوْعِ، أَشَدَّ عَلَى الْفُجَّارِ مِنْ حَرِيقِ النَّارِ (نامه ۳۸)	انتخاب مسئولین شجاع و هوشیار
۶۳	فَقُلْنَا: تَعَالَوْا نَدَاوِي مَا لَا يَذْرُكُ الْيَوْمَ بِإِطْفَاءِ النَّارِ، وَ تَسْكِينِ الْعَامَّةِ، حَتَّى يَشْتَدَّ الْأَمْرُ وَ يَسْتَجْمِعَ، فَتَفْؤَى عَلَى وَضِعِ الْحَقِّ فِي مَوَاضِعِهِ (نامه ۵۸)	راه احقاق حق دوری از جنگ و ستیز
۶۴	أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ الْوَالِي إِذَا اخْتَلَفَ هَوَاهُ مَنَعَهُ ذَلِكَ كَثِيرًا مِنَ الْعَدْلِ (نامه ۵۹)	دگرگونی در اندیشه مسئول مانع از اجرای عدالت
۶۵	وَ مِنَ الْحَقِّ عَلَيْكَ حِفْظُ نَفْسِكَ، وَ الْأَخْتِسَابُ عَلَى الرَّعِيَةِ بِجَهْدِكَ (نامه ۵۹)	تلاش در رسیدگی به امور مردم
۶۶	فَلْيَكُنْ أَمْرُ النَّاسِ عِنْدَكَ فِي الْحَقِّ سَوَاءً (نامه ۵۹)	رعایت مساوات
۶۷	إِنَّمَا هُمْ أَهْلُ دُنْيَا مُقْبِلُونَ عَلَيْهَا، وَ مَهْطِعُونَ إِلَيْهَا، قَدْ عَرَفُوا الْعَدْلَ وَ رَأَوْهُ، وَ سَمِعُوهُ وَ وَعَوْهُ، وَ عَلِمُوا أَنَّ النَّاسَ عِنْدَنَا فِي الْحَقِّ إِسْوَةٌ، فَهَرَبُوا إِلَى الْأَثَرَةِ (نامه ۷۰)	دنیا پرستی و انحصارطلبی و عدل‌گریزی مردم
۶۸	أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّمَا أَهْلُكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ مَنَعُوا النَّاسَ الْحَقَّ فَاشْتَرَوْهُ، وَ أَخَذُوهُمْ بِالْبَاطِلِ فَأَفْتَدَوْهُ (نامه ۷۹)	عدم پرداخت حق و رشوه خواری
۶۹	وَ كَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ إِذَا تَكَشَّفَتْ عَنْكَ جَلَابِيبُ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ دُنْيَا قَدْ تَبَهَّجْتَ بِرَبِّتِهَا، وَ خَدَعْتَ بِلَدَّتِهَا، دَعْتِكَ فَأَجَبْتِهَا، وَ قَادَتِكَ فَأَتَيْتِهَا، وَ أَمَرْتِكَ فَاطْعْتِهَا، وَ إِنَّهُ يَوْشِكُ أَنْ يَقْفِكَ وَاقِفٌ عَلَى مَا لَا يَنْجِيكَ مِنْهُ مُنْجٍ، فَافْعَسْ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ، وَ خُذْ أَهْبَةَ الْحِسَابِ، وَ سَمِّرْ لِمَا قَدْ نَزَلَ بِكَ، وَ لَا تُمَكِّنِ الْعَوَاةَ مِنْ سَمْعِكَ، وَ إِلَّا تَفْعَلْ أَغْلِمَكَ مَا أَغْلَمْتَ مِنْ نَفْسِكَ، فَإِنَّكَ مُتْرَفٌ قَدْ أَخَذَ الشَّيْطَانُ مِنْكَ مَا خَذَهُ، وَ بَلَغَ فِيكَ أَمْلَهُ، وَ جَرَى مِنْكَ مَجْرَى الرُّوحِ وَ الدَّمِ. (وَ مَتَى كُنْتُمْ يَا مَعَاوِيَةُ سَاسَةَ الرَّعِيَةِ، وَ وِلَاةَ أَمْرِ الْأُمَّةِ؟ بَعِيرٌ قَدِمَ سَابِقٌ، وَ لَا شَرَفٌ بَاسِقٍ، وَ نَعْوَدُ بِاللَّهِ مِنْ لُزُومِ سَوَابِقِ الشَّقَاءِ، وَ أَحْذَرُكَ أَنْ تَكُونَ) مُتَمَادِيًا فِي غِرَّةِ الْأُمْنِيَّةِ، مُخْتَلِفِ الْعَلَابِيَّةِ وَ السَّرِيرَةِ. (نامه ۱۰)	دورویی و پیروی از شیطان

اطاعت از حاکم حق	۷۰	أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ، وَمُهَيِّمًا عَلَى الْمُرْسَلِينَ فَلَمَّا مَضَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَنَازَعَ الْمُسْلِمُونَ الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ، فَوَلَّى اللَّهُ مَا كَانَ يَلْقَى فِي رُوعِي، وَلَا يَخْطُرُ بِبَالِي، أَنْ الْعَرَبَ تُزْجِعَ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَلَا أَنَّهُمْ مُنْخَوَةٌ عَنِّي مِنْ بَعْدِهِ! فَمَارَاغَنِي إِلَّا أَنْثِيَالُ النَّاسِ عَلَى فَلَانٍ يَتَابِعُونَهُ (نامه ۶۲)
تکیه بر قدرت عمومی مردم - دوری از خواص انحصار طلب	۷۱	فَإِنَّ سَخَطَ الْعَامَّةِ يَجْجِفُ بِرِضَا الْخَاصَّةِ، وَإِنْ سَخَطَ الْخَاصَّةِ يَغْتَفِرُ مَعَ رِضَا الْعَامَّةِ. وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الرَّعِيَةِ، أَثْقَلَ عَلَى الْوَالِي مَوْئِنَةً فِي الرَّخَاءِ، وَ أَقْلَ مَعُونَةً لَهُ فِي الْبَلَاءِ، وَ أَكْرَهَ لِلْإِنْصَافِ، وَ أَسْأَلَ بِالْإِلْخَافِ، وَ أَقْلَ شُكْرًا عِنْدَ الْإِعْطَاءِ، وَ أَنْبَطًا غِذْرًا عِنْدَ الْمَنْعِ، وَ أَضْعَفَ صَبْرًا عِنْدَ مِلْمَاتِ الدَّهْرِ مِنْ أَهْلِ الْخَاصَّةِ، وَ إِنَّمَا عَمُودُ الدِّينِ، وَ جِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ، وَ الْعِدَّةُ لِلْإِعْطَاءِ، الْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ، فَلْيَكُنْ صِغُوكَ لَهُمْ، وَ مَيْلِكَ مَعَهُمْ. (نامه ۵۳)
عدالت یکی از پایه‌های ایمان	۷۲	الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ عَلَى الصَّبْرِ وَ الْبِقِينِ وَ الْعَدْلِ وَ الْجِهَادِ (حکمت ۳۱)
توجه به روز قیامت موجب پرهیز از ظلم	۷۳	وَ اللَّهُ لَأَنْ أُبَيَّتَ عَلَى حَسَكِ السَّعْدَانِ مُسَهَّدًا، وَ أَجْرٌ فِي الْأَغْلَالِ مُصَفَّدًا، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ (خطبه ۲۲۴)
برخورد نیک کارگزاران دولت با مردم	۷۴	فَخَادِتْ أَهْلَهَا بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ، وَ اخْلُلْ عَقْدَةَ الْخَوْفِ عَنْ قُلُوبِهِمْ. (نامه ۱۸)
برخورد قاطع با خیانت‌کار	۷۵	فَاتَّقِ اللَّهَ، وَ ارْزُدْ إِلَى هَوْلَاءِ الْقَوْمِ أَمْوَالَهُمْ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ ثُمَّ امْكُنِّي اللَّهُ مِنْكَ لِأَغْذِرَنَّ إِلَيَّ اللَّهُ فِيكَ، وَ لِأَضْرِبَنَّكَ بِسَيْفِي الَّذِي مَا ضَرَبْتُ بِهِ أَحَدًا إِلَّا دَخَلَ النَّارَ (نامه ۴۱)
اجرای قانون برای همه	۷۶	وَ اللَّهُ لَوْ أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتَ، مَا كَانَتْ لَهُمَا عِنْدِي هَوَادَةٌ، وَ لَا ظَفِرًا مِثِّي بِإِرَادَةٍ، حَتَّى أَخَذَ الْحَقُّ مِنْهُمَا، وَ أَرِيحَ الْبَاطِلَ عَنْ مَظْلَمَتَيْهِمَا (نامه ۴۱)
رعایت مساوات در تقسیم بیت‌المال	۷۷	أَلَا وَ إِنَّ حَقَّ مَنْ قَبْلَكَ وَ قَبْلَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي قِسْمَةِ هَذَا الْقَىءِ سَوَاءٌ، يَرُدُّونَ عِنْدِي عَلَيْهِ، وَ يَصُدُّونَ عَنْهُ (نامه ۴۳)
عدم حضور مسئولان در مهمانی اشراف	۷۸	أَمَّا بَعْدُ، يَا بَنَ حَنِيفٍ، فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادَبَّةٍ، فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا، تَسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ، وَ تُنْقَلُ إِلَيْكَ الْجِفَانُ، وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ، عَائِلُهُمْ مَجْفُوفٌ، وَ غَنِيَهُمْ مَدْعُوفٌ. فَانْظُرْ إِلَى مَا تَقْضُمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ، فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِظَةُ، وَ مَا أَيْقَنْتَ بِطَيْبِ وَجْهِهِ قَتْلَ مِنْهُ. (نامه ۴۵)
تقوی موجب اجرای عدالت	۷۹	أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَ أَنْ لَا تَبْتَغِيَا الدُّنْيَا وَ إِنْ بَغْتَكُمَا، وَ لَا تَأْسَفَا عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا رُؤَى عَنْكُمَا، وَ قَوْلًا بِالْحَقِّ، وَ أَعْمَلًا لِلْأَجْرِ، وَ كَوْنًا لِلظَّالِمِ خَصْمًا، وَ لِمَظْلُومٍ عَوْنًا (نامه ۴۷)
اجرای عدالت در قصاص	۸۰	انظروا إذا أنا متُّ من ضربتبه هذه، فاضربوه ضربة بضربته، و لا يمتثل بالرجل (نامه ۴۷)
صداقت و مشورت رهبر با نظامیان	۸۱	أَلَا وَ إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَنْ لَا أُحْتَجَزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ، وَ لَا أُطَوَى دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حُكْمٍ (نامه ۵۰)
اطاعت از رهبر	۸۲	إِلَى عَلَيْكُمْ الطَّاعَةَ، وَ أَنْ لَا تَنْكَسِبُوا عَنْ دَعْوَةٍ، وَ لَا تَفْرَطُوا فِي صَلَاحٍ (نامه ۵۰)
تلاش برای رسیدن به حق	۸۳	أَنْ تَحْوِضُوا الْعَمْرَاتِ إِلَى الْحَقِّ (نامه ۵۰)
رعایت انصاف با مردم در گرفتن مالیات	۸۴	فَأَنْصِفُوا النَّاسَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ، وَ اصْبِرُوا لِخَوَائِجِهِمْ، فَإِنَّكُمْ حُرَّانُ الرَّعِيَةِ، وَ وَكَلَاءُ الْأُمَّةِ، وَ سَفَرَاءُ الْأَيْمَةِ. (نامه ۵۱)
مالکیت بر هوا و هوس و خویشتن‌داری مسئولان	۸۵	فَأَمْلِكْ هَوَاكَ، وَ شَحْ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَجِلُّ لَكَ، فَإِنَّ الشَّحَّ بِالنَّفْسِ الْإِنْصَافُ مِنْهَا فِيمَا أَحْبَبْتَ وَ كَرِهْتَ. (نامه ۵۳)
حق‌گرایی مسئولان	۸۶	وَ لِيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ (نامه ۵۳)
عدل‌گرایی مسئولان	۸۷	أَعْمَهَا فِي الْعَدْلِ، (نامه ۵۳)
جلب رضایت مردم	۸۸	أَجْمَعَهَا لِإِرْضَا الرَّعِيَةِ (نامه ۵۳)
رعایت انصاف با مردم و خویشتن‌اندان	۸۹	أَنْصِفِ اللَّهَ وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَ مِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ، وَ مَنْ لَكَ فِيهِ هَوَى مِنْ رَعِيَّتِكَ، (نامه ۵۳)
ظلم و عدم عدالت موجب تغییر نعمت و عذاب الهی	۹۰	لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ تَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَتِهِ عَلَى ظَلْمٍ، (نامه ۵۳)

اجرای حق در مورد خویشاوندان و بیگانه	۹۱	وَأَلِزِمِ الْحَقَّ مَنْ لَزِمَهُ مِنَ الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ (نامه ۵۳)
شناخت طبقات مختلف مردم	۹۲	وَأَعْلَمْ أَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ، وَلَا غِنَىٰ بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ (نامه ۵۳)
انتخاب بهترین کارگزار	۹۳	وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِبَةِ وَالْحَيَاءِ، مِنْ أَهْلِ الْبَيِّنَاتِ الصَّالِحَةِ، وَالْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةِ (نامه ۵۳)
دقت در انتخاب مسئولین	۹۴	ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ عَمَّا لِكَ، فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِبَارًا، وَلَا تَوَلَّهِمْ مُحَابَاةً وَآثَرَةً، فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنَ شُعْبِ الْجَوْرِ وَالْخِيَانَةِ. وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِبَةِ وَالْحَيَاءِ، مِنْ أَهْلِ الْبَيِّنَاتِ الصَّالِحَةِ، وَالْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةِ، فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَخْلَاقًا، وَأَصْحَاءُ أَعْرَاضًا. (نامه ۵۳)
نظارت دقیق بر کار مسئولین	۹۵	ثُمَّ تَفَقَّدْ أَعْمَالَهُمْ، وَابْعَثِ الْعُيُونََ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السَّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدُوءٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ، وَالرِّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ. (نامه ۵۳)
انتخاب بازرس امین	۹۶	وَابْعَثِ الْعُيُونََ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ (نامه ۵۳)
دادن حقوق کافی به مسئولان	۹۷	ثُمَّ أَسْبِغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ (نامه ۵۳)
مجازات خائن به بیت‌المال با شلاق و بر خورد جدی با او	۹۸	فَإِنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَىٰ خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أُخْبَارٌ غَيُوبِيكَ، اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا، فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ، وَأَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ، ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذَلَّةِ، وَوَسَّمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ، وَفَلَدْتَهُ عَارَ التَّهْمَةِ. (نامه ۵۳)
سامان‌دهی مالیات	۹۹	وَتَفَقَّدْ أَمْرَ الْخَرَاجِ بِمَا يَصْلُحُ أَهْلُهُ، فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَصَلَاحِهِمْ صَلَاحًا لِمَنْ سِوَاهُمْ، وَ لَا صَلَاحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ، لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخَرَاجِ وَأَهْلِهِ. (نامه ۵۳)
توجه به آبادانی زمین	۱۰۰	وَلَيْكِنْ نَظَرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أُبْلَغَ مِنْ نَظَرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ. (نامه ۵۳)
تخفیف در میزان مالیات برای قشر آسیب دیده	۱۰۱	فَإِنَّ شَكْوَى ثِقَلًا أَوْ عِلَّةً، أَوْ انْقِطَاعَ شَرِبٍ أَوْ نَالَةٍ، أَوْ إِحَالَةَ أَرْضٍ اعْتَمَرَهَا غَرَقٌ، أَوْ أُجْحَفَ بِهَا عَطَشٌ، خَفَّفْتَ عَنْهُمْ مَا تَرَجُّو أَنْ يَصْلُحَ بِهِ أَمْرُهُمْ (نامه ۵۳)
پرهیز از امتیاز خواهی و غفلت از رسیدگی به امور مردم	۱۰۲	وَإِيَّاكَ وَالْأَسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ إِسْوَةٌ، وَالتَّغَابَىٰ عَمَّا تُغْنَىٰ بِهِ مِمَّا قَدْ وَضَحَ لِلْعُيُونَِ (نامه ۵۳)
لازمه اجرای حق عدم مدارا و سازش	۱۰۳	أَيَقِيمُ أُمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يَصْنَعُ وَلَا يَضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ (حکمت ۱۱۰)
اهل بیت الگوی اعتدال	۱۰۴	نَحْنُ النَّمْرِقَةُ الْوَسْطَىٰ بِهَا يَلْحَقُ النَّالِيُّ وَإِلَيْهَا يَرْجِعُ النَّالِيُّ (حکمت ۱۰۹)
عدم همراهی و پیروی مردم از رهبر عادل	۱۰۵	إِنَّ كَانَتْ الرَّعَايَا قَبْلِي لَتَشْكُو حَيْفَ رِعَايَتِهَا فَإِنِّي الْيَوْمَ لَأَشْكُو حَيْفَ رَعِيَّتِي كَانَتِي الْمَقُودَ وَ هُمْ الْقَادَةُ أَوْ الْمُؤَزَّوعَ وَ هُمْ الْوَزْعَةُ (حکمت ۲۶۱)
پیروزی ثمره صبر و استقامت	۱۰۶	أَيَعْدَمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَ إِنُّ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ (حکمت ۱۵۳)
ایجاد پیوند میان انسان‌ها	۱۰۷	بِالنِّصْفَةِ يَكْثُرُ الْوَالِصُونَ (حکمت ۲۲۴)
شکست دشمنان	۱۰۸	بِالسَّبِيرَةِ الْعَادِلَةِ يَفْهَرُ الْمُنَاوِي (حکمت ۲۲۴)
استواری در برد باری	۱۰۹	رَسَاخَةُ الْحِلْمِ (ح ۳۱)
قرار گرفتن امور در جای خود	۱۱۰	الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا (حکمت ۴۳۷)
پیش‌داوری از روی گمان بد	۱۱۱	لَيْسَ مِنَ الْعَدْلِ الْقَضَاءُ عَلَى الثَّقَةِ بِالظَّنِّ (حکمت ۲۲۰)
تدبیر عمومی مردم	۱۱۲	الْعَدْلُ سَائِسٌ غَامٌ (حکمت ۴۳۷)

در فرایند تحلیل نظریه، داده‌ها کدبندی می‌شوند و استراوس و کوربین سه فن کدگذاری پیشنهاد دادند: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و انتخابی (همان، ۱۶) که با توجه به متن و عبارات نهج‌البلاغه و موضوع موردبررسی در بخش‌های مربوطه

هرکدام شرح داده خواهد شد.

## ۵- الگوی عدالت در نهج‌البلاغه

برای دستیابی به الگوی عدالت از دیدگاه امام علی(ع) در نهج‌البلاغه بر اساس گام‌های بیان‌شده در روش داده بنیاد مراحل کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی و خلق نظریه به شرح زیر صورت می‌پذیرد.

### ۵-۱- کدگذاری باز

در این مرحله از پژوهش، محقق هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها و بررسی سطر به سطر و عبارت به عبارت نهج‌البلاغه در موضوع «عدالت» مفاهیم را شناسایی کرده و پس از کشف و تحلیل ویژگی‌ها و ابعاد آن، به هرکدام یک مفهوم یا کد الصاق می‌کند که بیان‌گر شرایط عدالت است. برای مثال از عبارت «لَا يَذْرَكُ الْحَقُّ إِلَّا بِالْجِدِّ» (دستی، ۱۳۹۵، ۵۴) «تلاش برای بدست آوردن حق» به دست آمده و از عبارت «تَقَامُ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ» (همان، ۱۷۴) «اجرای حقوق و احکام شرعی» فهمیده شد و به عبارت «فَالزُّمُو السُّنَنَ الْقَائِمَةَ وَ الْأَثَارَ الْبَيِّنَةَ وَ الْعَهْدَ الْقَرِيبَ الَّذِي عَلَيْهِ بَاقِي النُّبُوَّةِ» (همان: ۱۸۲) مفهوم «عمل بر سنت پیامبر و تکیه بر آثار رسالت» الصاق گردیده و از جمله «إِنَّ لَكُمْ عِلْمًا فَاهْتَدُوا بِعَلْمِكُمْ وَ إِنَّ لِلْإِسْلَامِ غَايَةً فَانْتَهُوا إِلَى غَايَتِهِ وَ اخْرُجُوا إِلَى اللَّهِ مِمَّا افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَقِّهِ وَ بَيْنَ لَكُمْ مِنْ وَطْأَنِهِ» (دستی، ۱۳۹۵، ۲۳۸) «ادای حقوق الهی» استخراج گردید و به عبارت «إِيْمُ اللَّهِ لِلنَّصِيفِ الْمُظْلُومِ وَ لِقُودِنِ الظَّالِمِ بِخِزَامَتِهِ حَتَّى أُرْدَهُ مِنْهُلِ الْحَقِّ وَ إِنْ كَانَ كَارِهًا» (همان، ۱۸۰) کد «گرفتن حق مظلوم از ظالم» الصاق گردیده است و نیز مفهوم «صداقت رهبر با مردم» برای عبارت «اللَّهُ مَا كُنْتُمْ وَ شِمَّةٌ وَ لَا كَذَبَتْ كَذْبَهُ» (همان، ۳۸) برگزیده شده است که از میان عباراتی که مفهوم و ویژگی‌های عدالت را دربر داشت ۱۴۸ کد برگزیده شد که در جدول ۱ به نمایش گذاشته شده است.

### ۵-۲- کدگذاری محوری

در این مرحله از نظریه‌پردازی داده بنیاد، یک مقوله از مرحله کدگذاری باز انتخاب می‌گردد و در مرکز فرایندی که در حال بررسی است به عنوان (پدیده مرکزی) قرار می‌گیرد و سپس، دیگر مقوله‌ها را به آن ربط داده می‌شود (حکیمان: بی تا، ۱۱).

در این الگو پنج مقوله از اطلاعات وجود دارد:

\* شرایط علی: مقوله‌هایی مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارد

\* زمینه: شرایط خاصی که بر راهبردها اثر می‌گذارند.

\* شرایط مداخله‌گر: شرایط زمینه‌ای عمومی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند.

\* راهبردها: کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود.

\* پیامدها: خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها (دانایی‌فرد، ۱۳۸۶: ۲۲)

اقدامات اصلی در کدگذاری محوری چنین می‌باشد: ۱. بیان کردن ویژگی‌های یک مقوله و ابعاد آن. ۲. شناسایی شرایط گوناگون، کنش یا برهم‌کنش‌های گوناگون و پیامدهای گوناگون مربوط به یک پدیده. ۳. ربط دهی یک مقوله به زیر مقوله‌هایش، از طریق گزاره‌هایی که چگونگی ربط آن‌ها به همدیگر را مطرح می‌کند. ۴. جستجوی سرخ‌هایی در داده‌ها که بر چگونگی ربط دهی‌های ممکن مقوله‌های اصلی به هم دلالت دارد (همان: ۲۰).

با توجه به پدیده مرکزی «جامعه عدالت‌محور» و با برقراری ارتباط میان مقوله‌هایی که در کدگذاری باز به دست آمده یک ارتباط جدید کشف می‌شود و با تجزیه و تحلیل مفاهیمی که از کدگذاری باز انتخاب شدند و دسته‌بندی و مقایسه عناوین استخراج‌شده از داده‌ها: مانند «گرفتن حق ضعیف از قوی، گرفتن حق مظلوم از ظالم» ترکیب جدیدی به دست می‌آید که پژوهشگر آن را «احقاق حق مظلوم» نامیده است. با ادامه این روند بین مقوله‌ها ارتباط برقرار می‌شود و مشخص می‌گردد که

چگونه یک مقوله واحد با مقوله‌های دیگر مرتبط است.

«این کار مستلزم صرف وقت و حوصله بسیار است. چرا که در ابتدا ارتباط بین آن‌ها، چندان آشکار نیست، در واقع محقق خود را با انبوهی از داده‌های خام روبه‌رو می‌بیند که چندان هم به هم ربطی ندارند اما به‌زودی پیوندهای نامرئی آشکار خواهد شد و زیبایی روش نظریه داده بنیاد در این مرحله نهفته است (مهرابی، ۱۳۹۰: ۲۱).

این مرحله به ترسیم یک نمودار نیاز دارد که «الگوی کدگذاری» نامیده می‌شود. «الگوی کدگذاری» روابط بین شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و پیام را نمایان می‌کند (حکیمان، بی تا، ۱۱) که در جدول ۲ ترسیم شده است.

جدول ۲

مقوله	مفاهیم			پدیده محوری
توبه و استقامت در عمل به قرآن و سنت	توبه و پشیمانی از گناه	توبه از زشتی‌ها	عمل به قرآن و سنت و تکیه بر آثار رسالت	جامعه عدالت محور
	استقامت در گناه و طاعت و ایمان			
تقوا و دوری از هوا و هوس	مالکیت بر هوا و هوس و خویش‌ن‌داری	تقوا موجب اجرای عدالت	تقوا سرچشمه پاکی‌ها	
	نخستین گام در عدالت دوری از هوا و هوس			
تفرقه و اختلاف	تفرقه در مبارزه با ظلم	تفرقه و پراکندگی در حق	تفرقه	
دورویی و پیروی از شیطان	دورویی و پیروی از شیطان	بدعهدی و دورویی	پیروی از شیطان	
غصب حکومت از رهبر آگاه		عهد خدا با عالمان برای مبارزه با ظلم	غصب حکومت از رهبر آگاه	
تشکیل حکومت برای برقراری امنیت و عدالت	برقراری عدالت در حکومت پاکان		تشکیل حکومت برای برقراری عدالت	
حضور فرد آگاه و شایسته و عادل در رأس حکومت	رهبر شایسته مانع ستم بر مردم	آگه‌ترین افراد از فرمان خدا شایسته رهبری	رهبر عادل راه نجات از فتنه‌ها	
		برترین بنده خدا رهبر عادل	رهبر شایسته مانع ستم بر مردم	
جدیت و تلاش برای رسیدن به حق	رهبر مرد عمل است نه حرف	تلاش برای رسیدن به حق	جدیت و عمل به موقع رهبر	
	تلاش برای بدست آوردن حق			
قرار گرفتن افراد در جایگاه شایسته	بازگرداندن حق به جایگاهش		قرار گرفتن هر کس در جایگاه خود	
ترک جهاد و سستی در مبارزه با ظلم	ترک جهاد موجب خواری و محرومیت از عدالت	عدم احساس مسئولیت و سستی در مبارزه با ظلم	سستی و ضعف در مبارزه با ظلم	
صلح و دوری از جنگ	راه احقاق حق دوری از جنگ و ستیز		صلح و آشتی	
اطاعت نکردن از رهبر حق	اجابت نکردن دعوت حق		عدم همراهی و پیروی از رهبر عادل	
فروتنی با مردم و رعایت مساوات		تقسیم بیت‌المال به‌طور مساوی بین مردم	رعایت مساوات در تقسیم بیت‌المال	
	فروتنی و رعایت مساوات با مردم		رعایت مساوات	

حق‌گرایی مسئولان	عدل‌گرایی مسئولان		حق‌گرایی و عدل‌گرایی
اجرای حق در مورد خویشاوند و بیگانه	رعایت انصاف با مردم و خویشاوندان	اجرای قانون در مورد همه	اجرای حق در مورد همه
انتخاب مسئولین شجاع و هوشیار	دقت در انتخاب مسئولین	انتخاب بهترین کارگزار	دقت در انتخاب مسئولین شجاع و برتر
پیش‌داوری از روی گمان بد			
رعایت حقوق متقابل رهبر و مردم	بزرگ‌ترین حق حقوق متقابل رهبر و مردم	رعایت حقوق متقابل رهبر و مردم	رعایت حقوق متقابل رهبر و مردم
عمل بر اساس قرآن و سنت پیامبر			
پرهیز از اختلاف و برتری جویی	اتحاد و پرهیز از تفرقه	اتحاد و پرهیز از برتری جویی	اتحاد و پرهیز از برتری جویی
گریز از حق و عدالت	دنیاپرستی و انحصارطلبی و عدل‌گریزی مردم	دنیاپرستی و عدل‌گریزی مردم	دنیاپرستی و عدل‌گریزی مردم
تکیه بر قدرت عمومی مردم و دوری از خواص انحصارطلب			
مشورت مردم با رهبر	همکاری مردم با حکومت	مشورت و همکاری مردم با رهبر و حکومت	مشورت مردم با رهبر
پرهیز از افراط و تفریط در رابطه با رهبر	رفتار دوستانه مردم با رهبر	اعتدال در رفتار مردم با رهبر	اعتدال در رفتار مردم با رهبر
عدم حضور مسئولان در مهمانی اشراف			
برخورد قاطع با خیانتکار	مجازات خائن به بیت‌المال با شلاق	سختگیری در مقابل خیانت بیت‌المال	برخورد قاطع با خیانتکاران
پریشانی و عدم تعقل مانع از یاری عدالت			
اعتدال و میانه‌روی	اعتدال و میانه‌روی جاده مستقیم الهی	اعتدال و میانه‌روی	اعتدال و میانه‌روی
گرفتن حق ضعیف از قوی	گرفتن حق مظلوم از ظالم	احقاق حق مظلوم	احقاق حق مظلوم
توجه به روز قیامت موجب پرهیز از ظلم	توجه به آخرت موجب مبارزه برای تحقق عدالت	توجه به آخرت و قسط و عدل پروردگار	توجه به آخرت و قسط و عدل پروردگار
قیامت صحنه قسط و عدل پروردگار	ظلم و عدم عدالت موجب تغییر نعمت الهی	توجه به عمران آبادانی جامعه عدالت‌محور	توجه به عمران آبادانی جامعه عدالت‌محور
اصلاح در شهرها			
ایمنی ستمدیدگان			
لازمه اجرای حق عدم مدارا و سازش	عدم سستی در مبارزه با عاصیان	مبارزه با عاصیان به کمک حق‌طلبان	مبارزه با مخالفان و عدم مدارا و سازش
برانگیختن مردم برای احقاق حق			
قرار گرفتن امور در جایگاهش			
تدبیر عمومی مردم	گشایش برای افراد جامعه	تدبیر عمومی و گشایش برای افراد	تدبیر عمومی و گشایش برای افراد
اجرای حقوق و احکام شرعی	احیاء دین و قرآن و سنت پیامبر	رهبر عادل هادی مردم و برپادارنده سنت و از بین برنده بدعت	احیاء دین و اجرای احکام و از بین رفتن بدعت

ایجاد پیوند میان انسان‌ها	شکست دشمنان	پیوند میان مردم و شکست دشمن
تحمل شنیدن حرف حق		تحمل شنیدن حرف حق
برخورد نیک کارگزاران با مردم	شناخت طبقات مختلف مردم	توجه به اقشار مختلف مردم و برخورد صحیح مسئولین با مردم
تخفیف در مالیات قشر آسیب‌دیده	رعایت انصاف در گرفتن مالیات	
دقت در میزان تلاش کارگزاران	نظارت دقیق بر کار مسئولین	انتخاب بازرسان امین و نظارت دقیق بر کار مسئولین

### ۳-۵- کدگذاری انتخابی و خلق نظریه

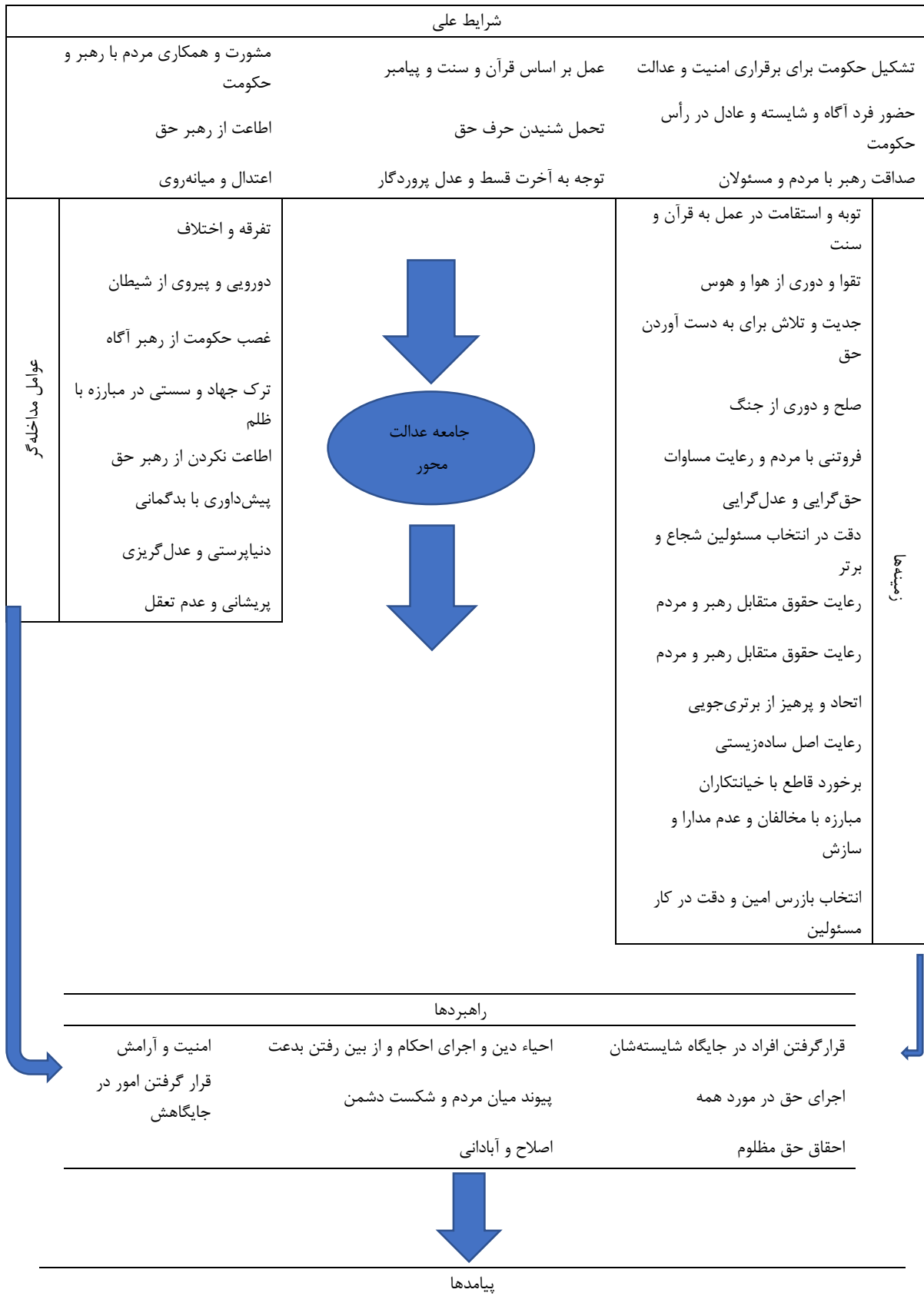
استراوس و کوربین کدگذاری انتخابی را به همراه کدگذاری باز و محوری این‌گونه بیان می‌کنند: در کدگذاری باز، تحلیل‌گر به پدید آوردن مقوله‌ها و ویژگی‌های آن‌ها می‌پردازد و سپس می‌کوشد تا مشخص کند که چگونه مقوله‌ها در طول بعدهای تعیین شده تغییر می‌کنند. در کدگذاری محوری، مقوله‌ها به‌طور نظام‌مند بهبود یافته و با زیرمقوله‌ها پیوند داده می‌شوند. باین‌حال، این‌ها هنوز مقوله‌های اصلی نیستند که در نهایت برای تشکیل یک آرایش نظری بزرگ‌تر یکپارچه شوند، به‌طوری‌که نتایج تحقیق، شکل نظریه پیدا کنند. «کدگذاری انتخابی» فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌هاست (دانایی فرد، ۱۳۸۶: ۲۴).

در این مرحله از این پژوهش، برای ایجاد نظریه پژوهشگر مدام در رفت‌وآمد در میان داده‌ها و مقولات است و به شکل نظام‌مند یافته‌های قبلی را گرفته و آن‌ها را با محوریت قرار دادن پدیده محوری «جامعه عدالت محور» به هم ربط می‌دهد و با اثبات رابطه بین آن‌ها، مقوله‌ها را گسترش و بسط می‌دهد و هر یک از آن‌ها را در جایگاه خود قرار می‌دهد. برای مثال با توجه به الگوی ترسیم‌شده و نیز با توجه به عنوان «جامعه عدالت‌محور» که برای مقوله محوری انتخاب‌شده است هر یک از مقوله‌ها و مفاهیمی که در مرحله قبل انتخاب شده بود در جایگاه مربوط به خود جای می‌گیرند تا نظریه به‌صورت کامل و نظام‌مند شکل بگیرد. در جایگاه شرایط علی، مواردی چون: تشکیل حکومت برای برقراری عدالت و امنیت، حضور فرد آگاه و شایسته و عادل در رأس حکومت، صداقت رهبر با مردم و مسئولین، تحمل شنیدن حرف حق، عمل بر اساس قرآن و سنت، اعتدال و میانه‌روی، توجه به قسط و عدل پروردگار، اطاعت از رهبر حق، و مشورت و همکاری مردم با رهبر و مسئولین و قرار گرفتن و آنچه که زمینه برای ایجاد جامعه عدالت محور قرار می‌گیرد: توبه و استقامت در عمل به قرآن و سنت، تقوا و دوری از هوا و هوس، جدیت و تلاش برای بدست آوردن حق، صلح و دوری از جنگ، فروتنی با مردم و رعایت مساوات و ایجاد فرصت‌های برابر، حق‌گرایی و عدل‌گرایی، دقت در انتخاب مسئولین شجاع و برتر، رعایت حقوق متقابل رهبر و مردم، اتحاد و پرهیز از برتری‌جویی، رعایت اصل ساده زیستی، خورد قاطع با خیانتکاران، مبارزه با مخالفان و عدم مدارا و سازش، توجه به اقشار مختلف مردم و برخورد صحیح مسئولین با مردم، انتخاب بازرسان امین و دقت در کار مسئولین در جایگاه زمینه‌ها قرار گرفت و از جمله عوامل مداخله‌گر: تفرقه و اختلاف، دورویی و پیروی از شیطان، غضب حکومت از رهبر آگاه، ترک جهاد و سستی در مبارزه با ظلم، اطاعت نکردن از رهبر حق، پیش‌داوری با بدگمانی، دنیاپرستی و عدل‌گریزی، پریشانی و عدم تعقل می‌باشد و در جایگاه راهبردها: قرار گرفتن افراد در جایگاه شایسته‌شان، اجرای حق در مورد همه، احقاق حق مظلوم، اصلاح و آبادانی، امنیت و آرامش، قرار گرفتن امور در جایگاهش، یا دین و اجرای احکام و از بین رفتن بدعت، پیوند میان مردم و شکست دشمن قرار گرفت و در پایان مواردی همچون: از بین رفتن اضطراب و پریشانی مردم، قرار گرفتن افراد شایسته در رأس امور، ایجاد رابطه صمیمی بین مردم و مسئولین، عدم دست‌اندازی به بیت‌المال، از بین رفتن فقر و فاصله طبقاتی، رونق کار و عمران و آبادی به عنوان پیامدهایی که یک جامعه عدالت محور در بر دارد در جایگاه پیامدها قرار داده شد و به این صورت تصویر یک جامعه عدالت محور ترسیم گردید.

نظریه‌پردازان داده بنیاد، نظریه خود را در سه شکل ممکن ارائه می‌دهند: ۱- الگوی کدگذاری بصری ۲- مجموعه‌ای از قضایا ۳- داستانی که به شکل روایی نوشته می‌شود (دانایی فرد ۱۳۸۶: ۲۶). در این پژوهش نیز نظریه موردنظر به شیوه کدگذاری در

جدول شماره ۳ ارائه گردیده است.

جدول ۳



از بین رفتن اضطراب و پریشانی مردم	ایجاد رابطه صمیمی بین مردم و مسئولین	عدم دست‌اندازی به بیت‌المال
توسعه و پیشرفت در کشور	ایجاد امنیت و آرامش در جامعه	از بین رفتن فقر و فاصله طبقاتی
قرار گرفتن افراد شایسته در رأس امور	رونق کار و عمران و آبادی	

در این پژوهش سعی شد تا با استفاده از استراتژی داده بنیاد سخنان از گوهر بار امیرالمومنین علی(ع) در نهج‌البلاغه الگویی نظام‌مند از عدالت در یک جامعه عدالت محور ترسیم گردد.

بر اساس استنباط داده‌ها و کدهای استخراج‌شده از نهج‌البلاغه، اگر در جامعه برای برقراری عدالت و امنیت حکومت تشکیل شود و فرد آگاه و شایسته و عادل در رأس حکومت باشد که بر اساس قرآن و سنت عمل کند و با مردم و مسئولان صداقت داشته باشد و تحمل شنیدن حرف حق را داشته باشد و مردم از رهبر حق اطاعت کنند و با رهبر و حکومت مشورت و همکاری داشته باشند و همگان اعتدال و میانه‌روی در رفتار داشته و توجه به آخرت و قسط و عدل پروردگار داشته باشند موجبات برقراری و اجرای عدالت در جامعه فراهم می‌شود.

در راه تلاش برای برقراری عدالت، غضب حکومت از رهبر آگاه و اطاعت نکردن از رهبر حق و تفرقه و اختلاف و دورویی و پیروی از شیطان و دنیاپرستی و عدل‌گریزی مردم و پریشانی و عدم تعقل در آن‌ها با پیش‌داوری از روی بدگمانی موانعی را ایجاد می‌کنند که ممکن است جامعه از عدالت فاصله بگیرد.

و در جایگاه زمینه‌های اجرای عدالت در جامعه، توبه و استقامت در عمل به قرآن و سنت، تقوا و دوری از هوا و هوس و رعایت حقوق متقابل بین مردم و رهبر، تلاش و جدیت برای به دست آوردن حق، دقت در انتخاب مسئولین شجاع و برتر که حق‌گرایی و عدل‌گرایی را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند و اصل ساده زیستی را رعایت می‌کنند و با فروتنی با مردم برخورد و اصل مساوات و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه را رعایت می‌کنند و به اقشار مختلف در جامعه توجه و با آن‌ها برخوردی صحیح دارند و با مخالفان حق مبارزه می‌کنند و سازش و مدارا نمی‌کنند و با انتخاب بازرسان امین بر کار مسئولین نظارت و با خیانتکاران برخورد قاطع می‌شود و با صلح و دوری از جنگ و ستیز و پرهیز از برتری‌جویی متحد می‌شوند، زمینه‌های اجرای عدالت در جامعه برقرار و جامعه به سوی عدالت‌محوری پیش می‌رود.

و راهبرد این علل و زمینه‌های اجرای عدالت در جامعه این خواهد بود که افراد شایسته در جایگاه خود و امور در جایگاهشان قرار می‌گیرند و با اجرای حق در مورد همه، احقاق حق مظلوم فراهم می‌شود و دین احیا و احکام اجرا و بدعت‌ها از بین می‌روند و پیوند میان مردم برقرار و موجب شکست دشمنان و ایجاد اصلاح و آبادانی و برقراری آرامش و امنیت در جامعه می‌شود. و نتیجه آن خواهد شد که، اضطراب و پریشانی مردم از بین می‌رود و افراد شایسته در رأس امور قرار می‌گیرند و رابطه صمیمی بین مردم و مسئولان ایجاد می‌شود و با عدم دست‌اندازی و خیانت به بیت‌المال، فقر و فاصله طبقاتی از بین می‌رود و رونق عمران و کار و آبادانی، توسعه و پیشرفت در جامعه را موجب می‌شود و نظام زندگی از جهت سیاسی و نظامی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی متحول می‌شود رو به پیشرفت پیش می‌رود.

همه این‌ها در کنار هم شاخصه‌های یک جامعه عدالت‌محور را نشان می‌دهد که در هر کجا این شاخصه‌ها بروز و ظهور داشته باشد می‌توان آن جامعه را، عدالت‌محور دانست و هرگاه از این شاخصه‌ها فاصله بگیرد حتی اگر در ظاهر از لحاظ سیاسی و اقتصادی و نظامی پیشرفت داشته باشد اما در واقع، عدالت به معنای واقعی آن، در آن جامعه اجرا نخواهد شد و همگان به حق خویش نخواهند رسید و به زندگی حقیقی در نهایت صلح و آرامش دست نخواهند یافت.

## ۶- منابع

- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة، بی‌جا، مکتب الاعلام الاسلامی.

- ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب، بیروت: دارصادر.

- جعفری، یعقوب، بی‌تا، تفسیر کوثر، بی‌جا، بی‌نا.

- جوادی آملی. (۱۳۹۲ش). *مفاتیح الحیات*، قم، مرکز نشر اسراء.
- حسرتی، مصطفی. (۱۳۸۵ش). «مقدمه ای بر روش کیفی نظریه سازی داده بنیاد»، *مجله زبان و زبان شناسی*، دوره دوم، شماره سوم.
- حکیمان، حمید، بی تا، «تشریح روش تحقیق براساس مدل پیاز تحقیق با تاکید بر نظریه داده بنیاد»، دانشگاه تربیت مدرس
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۶ش). «استراتژی های پژوهش کیفی: تاملی بر نظریه پردازی داده بنیاد»، *اندیشه مدیریت*، شهرپور، دوره اول، شماره دوم
- دشتی، محمد. (۱۳۹۵ش). *ترجمه نهج البلاغه*، قم، انتشارات امیر المومنین (ع)
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴ش). *مفردات الفاظ قرآن*، تهران، مرتضوی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴ش). *موسوی همدانی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی
- عضیمه، صالح. (۱۳۸۰ش). *معناشناسی واژگان قرآن*، مترجم سید حسین سیدی، مشهد، شرکت به نشر
- مازندرانی، محمدصالح بن احمد. (۱۳۸۲ق). *شرح الکافی للاصول و الروضه*، تهران، المکتبه الاسلامیه
- مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰ش). *تفسیر روشن*، تهران، مرکز نشر کتاب.
- مفید، محمدبن نعمان. (۱۳۲۴ش). *النکت الاعتقادیه*، تهران، اقبال.
- مهرابی، ۱۳۹۰ش، «معرفی روش شناسی نظریه داده بنیاد برای تحقیقات اسلامی»، *مدیریت فرهنگ سازمانی*، تیر، دوره نهم، شماره بیست و سوم
- مهرابی، امیر، خنیفر، حسین، امیری، علی، زارعی متین، حسن، جندقی، غلامرضا. (۱۳۹۰). *معرفی روش شناسی نظریه داده بنیاد برای تحقیقات اسلامی* (ارائه یک نمونه). *مجله علمی "مدیریت فرهنگ سازمانی"*. ۹، (۲۳)، ۳۰-۵.
- Ibn Faris, Ahmad (1404 A.H). *Ma'jam Maqais al-Lagheh*, Bija, School of Al-Alam al-Islami.
- Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram. (1414 AH). *Lasan al-Arab*, Beirut: Dar Sader.
- Jafari, Yaqoub, Bita, *Tafsir Kausar*, w c, w p.
- Javadi Amoli. (2013). *Mofatih Al-Hayat*, Qom, Nashrasara Publishing Center.
- Hasrati, Mustafa. (2007). "An introduction to the qualitative method of theorizing foundational data", *Journal of Language and Linguistics*, second volume, third issue.
- Hakimian, Hamid, w. d, "Explanation of the research method based on the research onion model with an emphasis on the foundational data theory", Tarbiat Modares University
- Danaei Fard, Hassan. (2016). "Qualitative Research Strategies: A Reflection on Foundational Data Theorizing", *Andisheh Management, Shahrivar*, Volume 1, Issue 2.
- Dashti, Mohammad. (2015). *translated by Nahj al-Balaghe*, Qom, Amir al-Momenin (a.s.) publishing house.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad. (1996). *Mordat Vocabulary of the Qur'an*, Tehran, Mortazavi.
- Tabatabai, Mohammad Hossein. (1996). *Mousavi Hamdani*, Qom, Islamic Publications Office.
- Azimah, Saleh. (2002). *Semantics of Quranic Words*, translated by Seyyed Hossein Seidi, Mashhad, publishing company.
- Mazandarani, Mohammad Saleh bin Ahmad. (2004). *Sharh al-Kafi Lallasul and al-Rawzah*, Tehran, Al-Maktabeh al-Islamiyya.
- Mostafavi, Hassan. (2002). *Tafsir Roshan*, Tehran, Book Publishing Center.
- Mofid, Mohammad Bin Nu'man. (1946). *Al-Nakat al-Ettagadieh*, Tehran, Iqbal.
- Mehrabi. (2018). "Introduction to the Data Theory Methodology of the Foundation for Islamic Research", *Organizational Culture Management*, Tir, Volume 9, Number 23.